کوتاه خارجی

پس از ساخت مستندی در ایتالیا

اسکورسیزی زندگی عیسی را پاییز شروع می‌کند

فیلمبرداری فیلم «زندگی عیسی» مارتین اسکورسیزی پاییز امسال شروع می‌شود و اندرو گارفیلد از بازیگران فیلم است به گزارش مهر به نقل از ورلد آف ریل، به نظر می‌رسد ساخت فیلم «زندگی عیسی» مارتین اسکورسیزی قطعا در دست

اجرا است و تولید آن قرار است پاییز امسال و به احتمال زیاد در ماه اکتبر (آبان) آغاز شود.

در عین حال گفته شده اندرو گارفیلد در این پروژه جلری دورین می‌رود و حضور مایلز تلر نیز به عنوان یکی دیگر از بازیگران محتمل است. داستان این فیلم بیشتر در زمان حال می‌گذرد و در ایتالیا، مصر و اسرائیل فیلمبرداری می‌شود. اسکورسیزی خود به طور مستقل در حال تامین مالی «زندگی عیسی» است. این فیلم با اقتباس از کتابی به همین نام نوشته شوساکو اندو در سال ۱۹۷۳ ساخته می‌شود و قرار است یکی از کم‌هزینه‌ترین فیلم‌های این کارگردان، پس از مدت‌ها باشد. در ۲۵ سال اخیر وی همواره مشغول ساخت تولیدات بزرگ استودیویی بوده و همین فیلم جدید وی را بسیار صمیمی‌تر می‌سازد. اسکورسیزی در توصیف این پروژه آن را فیلمی حدود ۸۰ دقیقه‌ای خوانده که بر آموزه‌های اصلی عیسی مسیح تمرکز می‌کند و به گونه‌ای بدون تبلیغ، به بررسی اصول می‌پردازد. وی گفته این فیلم نه یک فیلم داستانی مستقیم و نه یک مستند، بلکه ترکیبی از هر ۲ است. اسکورسیزی فیلمنامه را با همکاری کنت جونز منتقد و فیلمساز به پایان رسانده و بیشتر سعی کرده تا فیلمش حس بی‌زمان بودن را برساند. دقیقا یک سال پیش برد که اسکورسیزی اظهار کرد سال‌ها است به دنبال ساخت فیلمی درباره زندگی مسیح برده و در اوایل دهه ۷۰ قصد داشت فیلمی ۱۶ میلی‌متری و سیاه و سفید در این زمینه بسازد.

سلبریتی‌ها به جای روشنفکران و سیاستمداران

رویداد ۲۴، علی نوریخش: امروزه روشنفکران عرصه عمومی محبوبیت خود را از دست داده‌اند و رسانه‌ها و سلبریتی‌ها بر جای آن‌ها نشسته‌اند. نمونه بارز این امر را می‌توان در جایگاهی که علی کریمی در عرصه عمومی دارد و نقشی که به عنوان اپوزیسیون بازی می‌کند دید. سوال اینجاست که برای چرا، از جهت مثال، علی کریمی بدون کمترین میزانی از دانش سیاسی چنین جایگاهی را اشغال کرده؟ مگر این مملکت آدم فرهیخته و سیاست‌دان با تجربه کم دارد؟

این تغییر مرجعیت فکری جامعه از روشنفکران و کنش‌گران سیاسی به سلبریتی‌ها، تبعات بدی برای عرصه عمومی دارد و ریشه آن را باید در گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و سیاست‌زدایی از شهروندان جست و جو کرد.

روشنفکری چیست؟ روشنفکر کیست؟

روشنفکری، به معنایی که امروز می‌شناسیم، از اواخر قرن نوزدهم به وجود آمد. ماجرا به متهم کردن یک شهروند بی‌گناه به جاسوسی بازمی‌گشت. نام این شهروند دریفوس برد و با اینکه همه می‌دانستند بی‌گناه است به جرم جاسوسی زندانی شده برد. اما درست در همین لحظه که همه از آزادی دریفوس ناامید شده بودند، رخدادی در فضای مطروعاتی فرانسه همه چیز را تغییر داد. این رخداد عبارت بود از انتشار مقاله‌ای نوشته «امیل زولا»، نویسنده معروف فرانسوی که بعدها به یکی از مشهورترین مقالات در تاریخ روزنامه‌نگاری جهان مبدل شد.

مقاله زولا در واقع نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهور فرانسه بود و با عبارت من متهم می‌کنم آغاز می‌شد. زولا برای نخستین بار و به شکلی بی‌سابقه مقامات عالی ارتش را به سرپوش گذاشتن روی پرونده دریفوس متهم کرد. زولا را به‌خاطر نوشتن این نامه محاکمه و به یک سال زندان و پرداخت سه هزار فرانک محکوم کردند. وی به توصیه دوستانش به انگلستان گریخت و در آنجا به فعالیت و مبارزه خود در این زمینه ادامه داد. همانطور که ادوارد سعید می‌گوید، ریشه مفهوم «روشنفکر» به معنی امروزی آن را می‌توان در روند

دادگاه دریفوس یافت. پس از انتشار نامه زولا، بیانیه‌ای با امضای حدود سیصد نفر که در میان آن‌ها نام بسیاری از نویسندگان، هنرمندان، و دانشمندان فرانسه، از جمله امیل دورکیم، ژورژ سورل، کلود مونه و مارسل پروست نیز به چشم می‌خورد، در همان روزنامه به چاپ رسید که این بیانیه نیز محاکمه افسر یهودی را غیرقانونی اعلام می‌کرد. این نوشته که در نزد افکار عمومی به «بیانیه روشنفکران» شهرت یافت، ارتش و دادگستری آن زمان فرانسه را در موضع ضعف قرار داد، جایگاه ویژه‌ای به روشنفکران فرانسه بخشید، پس از این واقعه برد که «آناتول فرانس» یکی از نخستین تعریف‌ها را از «روشنفکران» به‌دست داد: «روشنفکران آن گروه از فرهیختگان جامعه‌اند که بی‌آنکه تکلیفی سیاسی، ورای فعالیتی در محدوده حرفه ایشان، به آن‌ها واگذار شده باشد، در اموری نیز دخالت می‌کنند و نسبت به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند که معطوف به منافع و مصالح عمومی جامعه است.» باید گفتار ادوارد سعید را نیز به این اضافه کنیم که معتقد برد روشنفکر فردی است که به وضع موجود تن نمی‌دهد، بلکه در پی تغییر آن است. اما دربرابر این، می‌توان سلبریتی‌ها را افرادی نامید که در پی تثبیت وضع موجود هستند.

سلبریتیسم چیست؟ سلبریتی کیست؟

سلبریتی به شخصی گفته می‌شود که معمولا در زمینه‌های هنر، تجارت، سرگرمی، ورزش، رسانه، مدل، سیاست و نظایر آن، دارای نوعی شهرت و معروفیت گسترده باشد. چنین شخصی به‌راحتی از طریق مردم به‌ویژه قشر جوان قابل شناسایی است و به رسمیت شناخته می‌شود. سلبریتی‌ها اغلب از طریق رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون، سینما، نشریات و شبکه‌های اجتماعی به سرشناسی‌شان افزوده می‌شود و علت آن، پرداختن زیاد به موضوعات چهره‌ها در رسانه‌ها در جهت تغذیه مطالب نشریات و پایگاه‌های خبری است. این اتفاق منجر به درآمدزایی آن‌ها نیز می‌شود.

سلبریتی حاصل تجاری شدن عرصه‌ها مختلف حیات است. از دهه هفتاد میلادی به این سو، گسترش رسانه‌های جمعی و فراگیر شدن صنعت سرگرمی به اوقات فراغت جنبه‌ی تجاری بخشید و اشکال جدید شهرت و معیارهای منزلت را پدید آورد.

به این ترتیب بود که با افزایش ترجه روزافزون به سلبریتی‌ها، قدرت تاثیرگذاری آن‌ها نیز افزایش یافت و نهایتا به عرصه‌های معرفتی نیز نفوذ کرد. در واقع سلبریتی‌ها در دهه‌های اخیر نوعی «قدرت معرفتی» به دست آورده اند. قدرت معرفتی به معنای توانمندی اثرگذاری بر دانش، افکار و باورهای دیگران است. بسط تاثیرگذاری سلبریتی‌ها به عرصه معرفتی، از طرفی حاصل تجاری شدن تمام عرصه‌های زیست انسان برد و از طرف دیگر به تشدید هرچه بیشتر آن نیز دامن زد؛ و امروز با سلبریتی‌هایی مواجه هستیم که بدون داشتن دانش و تخصص کافی، در امور مختلف ارزشی و معرفتی نظر می‌دهند و بر مخاطبان خود تاثیر می‌گذارند؛ حتی در امر خطیری همچون سیاست. امروز سلبریتی‌ها بر جایگاه کنشگران سیاسی و روشنفکران عرصه عمومی تکیه زده اند و اعتبار و اثرگذاری روشنفکران و کنشگران از اعتبار و اثرگذاری تهی شده است. نتایج تاسف‌بار این روند، تهی شدن عرصه عمومی و قلمرو سیاست خواهد برد.

نگاهی به مینی‌سریالی که این روزها تمام شد

در انتهای شب قصه ماهی و تنگی که ارزش شکستن داشت

حسین قره: قصه را احتمالا دیده‌اید اگر هم ندیده‌اید قصد افشای جزئیات آن را ندارم مگر آن که مجبور باشم، این نوشته چندپاره‌ای است بر چند ویژگی که در انتهای شب برد و قابلیت گفت‌وگو دارد. پیش‌ازاین دو باری در میانه دو سریال چندخطی نوشتم و مثل بسیاری از اوقات پایان کار ناامیدکننده بود، در انتهای شب را ماندم به آخرین پلان برسد تا درباره‌اش بنویسم که بر خطا نرفته باشم.

خانواده‌ای نسبتا خوش و خرم و عاشق - با همه کاستی‌ها - در شبی که مرد خانواده ناپدید می‌شود، گسل‌هایش باز می‌شود و زلزله پشت زلزله و پس‌لرزه بعد از پس‌لرزه این خانواده را به شهری ویران تبدیل می‌کند که تلاش‌ها برای بازگشت به خانه اول، محال به نظر می‌رسد. نخی باریک، شاید خطوطی را به هم وصل کند که شخصیت‌ها را دوباره به هم پیوند دهد؛ اگرچه در این میان بچه بهانه‌ای است برای تهدید و فرصت و عشق‌های زاده نفرت چون بسیاری از آدم‌ها با وجود فرزند هم حاضر نیستند دوباره به روزگار قبل برگردند. اما سرفصل‌های ماجرا کجاست، در ساختمان قصه اولین مشکل کجاست؟

بهنام شخصیت مرد که هنرمندی است استاد دانشگاه، سر از پروژه‌های شهرداری درآورده، به اشتباه سوار اتوبوسی می‌شود که اتوبوس شهری نیست و برای کارکنان یک منطقه نظامی و امنیتی است. این گره، موتور اولیه حرکت قصه برای رسیدن به آن آشوب را شکل می‌دهد. گره تقریباً کم‌جان است و حفره‌های بسیار داستانی دارد. از کمترین ایرادهای این گره این است که نیروهای امنیتی واقعاً با اتوبوس‌های شهری تردد نمی‌کنند، شناسایی آدم‌های مشخص اقتضای خودش را دارد و اگر قرار باشد هر روز یک نفر در این اتوبوس‌ها سوار شود و نیروهای امنیتی هر روز این اشتباه را جبران کنند، فاجعه است و قطعاً نیروهای امنیتی پیش از بحران، تمام راه‌ها را رفته و خطاها را به حداقل می‌رسانند، حتی اگر اینجا ایران باشد. یعنی پیش‌بینی می‌کنند که حداقل اتوبوس‌هایشان در ایستگاه‌های اتوبوس شهری نماند تا مردم به‌اشتباه سوار نشوند و... دلایل دیگری می‌توان آورد که این گره اجازه به بسط قصه در سمت واقعیت روی زمین و موجود نمی‌دهد. از طرف دیگر چون نویسنده نمی‌خواسته مثلاً گره‌ای همچون خیانت مرد به همسرش را بگذارد چرا که گل ریخت و ساختار اثرش عرض می‌شده، تصمیم گرفته که با این گره با همه خطاهایش روایت را ادامه دهد، احتمال دیگر تصادف و یا برخوردهای فیزیکی یا هر چیز دیگری برد که در آن متهم‌انگاری ماهرخ سخت می‌شد و کار به تنش‌های عمیق نمی‌رسید.

جدایی از سر عشق و شکل‌گیری نفرت جایگزین آن و در عین حال باز هم عاشق بودن یک قصه ازلی و ابدی است، همین ماند، تأکید می‌کنم می‌گویند احتمالاً به انتهای شب برگردیم ماجرا اینجاست این دو بعد از ده سال با وجود آن که به قول قدیمی‌ها «آرد خود را بیختن و لک خود را آویختن» دوباره سر پیچ روزمرگی، گره‌های کور گذشته را باز می‌کنند. دعوا و جروبحث در کنار محبت و...

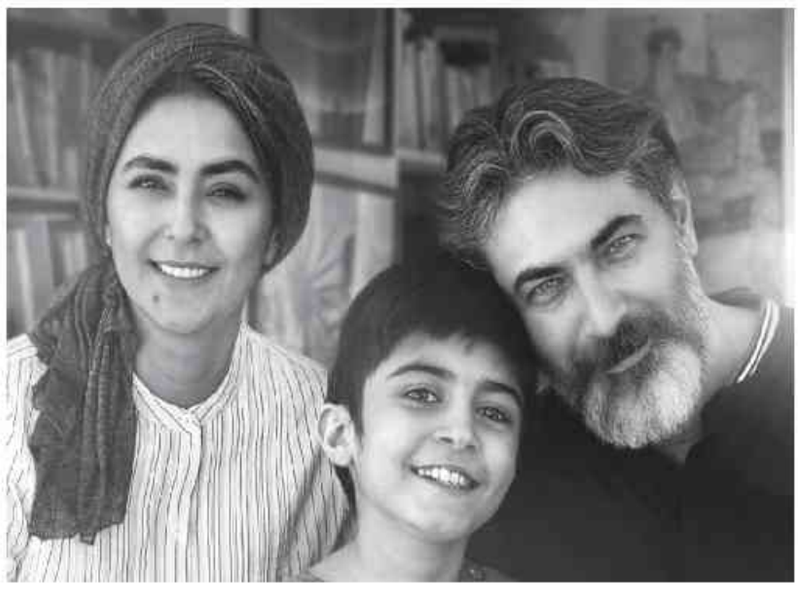

نکته دیگر قابل‌بررسی، این است که نویسندگان (آیدا پناهنده و ارسلان امیری) به همه شخصیت‌ها به یک اندازه اجازه ظهور و بروز می‌دهند، به کسی حق مطلق نداده و جانب کسی را نمی‌گیرند، همه اجازه خطا دارند، قصه آدم بد ندارد، همه آدم‌ها قابل درکند با تمام خطاها، حتی اگر خطایشان مثل بهنام فاحش باشد و از سر ندانم‌کاری و حتی ضعف و بدتر از آن، بهنامی که بعد از طلاق با زن همسایه مجردش وارد رابطه می‌شود. نویسنده و کارگردان یک سویه نه مردان را متهم می‌کنند نه زنان را، البته این شخصیت‌ها که اهل فرهنگ و هنر هستند و ادراکی از دیگری دارند.

این اثر لطف کرد و مینی‌سریال نه قسمتی باقی ماند و شلنگ آب را به کار نست و ۱۵ قسمت و ۲۰ قسمت به خورد مخاطب نداد. قصه را به‌اندازه کشش دراماتیک کشید و کشش نداد. انتخاب زمین‌های بازی و ورزش بزرگسالان در شهرک‌های اقماری اگرچه عین واقعیت است؛ اما حرکت آدم‌ها، نشستن‌ها و برخاستن‌ها و کنششان روی این دستگاه تقلبی و جعلی که نه زندگی می‌دهد؛ بلکه روح زندگی را می‌کشد، هوشمندانه برد. کارگردان قاب‌های دیگری هم هوشمندانه انتخاب می‌کند که به دلیل مطول شدن این نوشته می‌گذرم.

اگرچه این سریال یک ستاره سینمایی (سوپراستار) داشت و آن پارسا پیروزفر برد؛ اما ستاره‌هایی که درخشیدند سرکار خانم احترام برومند و آقای علیرضا داودنژاد بودند. هدی زین‌العابدین ماهی را باورپذیر و نزدیک همین زندگی که ما متولدین دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کرده‌ایم، ساخت پارسا پیروزفر یاد بازی به‌یادماندنی‌اش در میهمان ماهان زنده‌یاد مهرجویی را زنده کرد.

اما نکته آخر می‌ماند، این حق ماهی و همه زنان و مردان است یکبار همه چیز را تا مرز ویرانی ببرند و ببینند زندگی و روزمره‌ای که دارند، ارزش زیستن را دارد، ارزش بودنش را داشته. ماهی باید تا مرز مرگ عزیزی می‌رفت و قهرمان خودش از تاریکی برمی‌گشت. زندگی نیازمرده ارزش زیستن ندارد.

و اینکه در جامعه ما (چه عرف مردمی، چه عرفی که سازمان‌ها و نهادها تحمیل می‌کنند) متأسفانه درباره دردهای زنان نمی‌شود گفت، زنی که از سرطان سینه رنج می‌برد در سینما نمی‌تواند آن را بیان کند، یک زن به‌عنوان کارگردان در بیان رنج اختصاصی که زنان می‌کشند، نمی‌تواند تصویر خلق کند.

کوتاه داخلی

مهران مدیری با گل یا پوچ به میدان آمد

گل یا پوچ عنوان جدیدترین مجموعه فیلیمو است که پخش آن از ۷ مرداد آغاز می‌شود. به گزارش خبرآنلاین، گل یا پوچ با اجرای مهران مدیری در قالب یک بازی جذاب، به کارگردانی نیک یوسفی و تهیه‌کنندگی علی اسدزاده، قرار است میزبان چهره‌های مختلف شود، چهره‌هایی که این بازی نام‌آشنا را با شمائل تازه‌ای برای مخاطبان اجرا می‌کنند. در طول هر قسمت چند گروه با هم به رقابت می‌پردازند و با این بازی و تکنیک‌هایی که هر کدام دارند، تصویر تازه‌ای از بازی گل یا پوچ را ارائه می‌دهند. از عوامل اصلی این مجموعه که از یکشنبه ۷ مرداد از فیلیمو پخش می‌شود، می‌توان به مجری

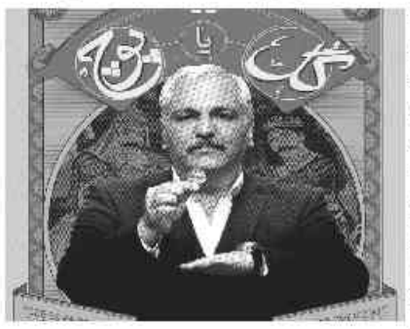

طرح‌محمد اسدزاده، مدیر هنری: فرید ناظرفصیحی، طراحی و ترکیب صدا: علیرضا علویان، تدوین: نرگس صمیمی، کارگردان تلویزیونی: محمدرضا درخشان، طراح صحنه و دکور: سهیل دانش اشراقی، مدیر تولید: حسن صفری، دستیار اول کارگردان و برنامه ریز: پویک مظفری، موسیقی: بهنام راد و طراح لباس: گلاره دربندی اشاره کرد. پوستر اصلی «گل یا پوچ» نیز توسط مجید کاشانی طراحی شده است.

فیلم‌های مدیری، سهیلی و داودنژاد در راه اکران

با اعلام اسامی فیلم‌های جدید برای نمایش در سینماها، قرارداد سه فیلم برای اکران عمومی در شورای صنفی نمایش به ثبت رسید. به گزارش ایسنا، دوازدهمین جلسه شورای صنفی نمایش روز یکشنبه ۳۱ تیرماه در سازمان سینمایی برگزار شد. در این جلسه اعلام شد که اکران فیلم‌های «مصائب شیرین ۲»، «پول و پارتی» و «ساعت ۶ صبح» از چهارشنبه سوم مردادماه در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد شود. «مصائب شیرین ۲» با

بازی زنده‌یاد رضا داودنژاد، ترلان پروانه، مونا داودنژاد، زهرا داودنژاد، علی داودنژاد، همایون کاظمی، سارا لرتیز کاظمی و نیز محمدرضا داودنژاد ساخته شد و آنچه ابتدا متقاضی شرکت در جشنواره ملی فیلم فجر بود، اما یک سال بعد در جشنواره جهانی فجر رونمایی شد. این فیلم در ادامه قسمت اول این فیلم، داستان دختری را روایت می‌کند که برای تولد ۱۸ سالگی خود، پدر و مادرش را به جایی ناآشنا دعوت می‌کند. پدر و مادر برای رسیدن به آنجا سفری را از منچستر به لندن آغاز می‌کنند. در این سفر آن‌ها زندگی گذشته خود را مرور می‌کنند. همچنین «پول و پارتی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی سعید سهیلی نیز روایتی از عشق و عاشقی‌های فراموش شده است که در خلاصه داستان آن آمده است: «تر زمونه‌ای که همه عاشق پرلت میشن، عاشق خونه‌ات میشن، عاشق ماشین زیر پات میشن، یکی پیدا شده عاشق خودت شده!» ساعد سهیلی، پردیس احمدیه، امیر جعفری، هادی کاظمی، نیوشا ضیغمی، آزاده زارعی، مهدی هاشمی و داریوش فرهنگ از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند. فیلم سینمایی «ساعت ۶ صبح» نیز که دومین فیلم سینمایی مهران مدیری پس از «ساعت ۵ عصر» است از چهارشنبه همین هفته روی پرده سینماها می‌رود. در این فیلم که از آن به عنوان یک اثر ملتهب اجتماعی یاد شده است، سمیرا حسن‌پور، مهرداد صدیقیان، مونا فرجاد، مهران مدیری و نیز صالحی بازی کرده‌اند. همچنین قرارداد فیلم‌های سینمایی «قلب رقه» به کارگردانی خیرالله تقیانی‌پور و تهیه‌کنندگی سعید پرویزی برای پخش توسط «شهرفرنگ»، به سرگروهی سینما فرهنگ، «روزی روزگاری آبادان» به کارگردانی حمیدرضا آذرنگ و تهیه‌کنندگی عبدالله اسکندری و علی اوجی با پخش «خلبه فیلم» به سرگروهی پردیس هنر شهر آفتاب شیراز و «سردابه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدعلی سجادی با پخش «رسانه فیلمسازان مولود» به سرگروهی پردیس هویزه ثبت شد. قرارداد فیلم «روزی روزگاری آبادان» در حالی دوباره در شورای صنفی نمایش ثبت شده که پیش‌تر قرار بود در روزهای ابتدایی تیرماه اکران شود ولی طبق گفته پخش‌کننده به دلیل برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری به تعویق افتاد.

اریک بی احساس دوبله شد

فیلم سینمایی «اریک بی احساس» با گویندگی ۱۵ نفر از گویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل سیما دوبله شد. به گزارش ایسنا، این سینمایی در گونه ماجراجویی و خانوادگی محصول استونی در سال ۲۰۲۲ قرار

است از شبکه نمایش سیما پخش شود. مدیر دوبله این سینمایی بهمن هاشمی و صدابردار آن مهدی پاینده است. مهوش افشاری، رضا الماسی، دلیال الیاسی، علیرضا باشکندی، فاطمه بروزیی، کریم یمانی، حسین خدادادیگی، مریم رادپور، ابوالفضل شاه بهرامی، داود شعبانی نصر، خشایار شمشیرگران، کسری کیانی، ملیکا ملک نیا، اسفندیار مهرتاش و بهمن هاشمی صداپیشه‌های این اثر بوده‌اند. خلاصه روایت این اثر از این قرار است که با ورود اریک، پسری نوجوان و خانواده‌اش به خانه جدید، اریک با ماریا، دختری آشنا می‌شود که نتوانسته مرگ مادرش را بپذیرد و فکر می‌کند مادرش در کشتی دزدان دریایی گرفتار است. اریک با ماریا سفری ماجراجویی را شروع می‌کند که در انتهای آن ماریا می پذیرد مادرش مرده است و زندگی ادامه دارد. اثری فانتزی درباره نوجوانانی که گرفتار کشتی دزدان دریایی می‌شوند. دزدانی که به دلیل سرگردانی میان دنیای زندگی و مرگ در این کشتی اسیر شده‌اند. اثر بسیار خوش‌ساخت است و فیلمنامه حرفی نیز دارد. کشتی سفید و کشتی دزدان دریایی نماد هستند و در واقع اثر به این موضوع می پردازد که چگونه باید بر فقدان غلبه کرد و به این لحاظ جنبه محتوایی آن نیز قابل توجه است. فیلم نامزد بهترین فیلم از جشنواره سینما و تلویزیون استونی شده است. واحد جستجوی اداره کل تامین و رسانه بین‌الملل، مسئولیت رصد این اثر را بر عهده داشته و پس از طی مراحل تایید و تخصیص، نسخه اصلی را تهیه و تأمین کرده و اکنون پس از طی شدن روندهای ترجمه، ویراستاری و سپس دوبله، قرار است پس از آماده‌سازی از شبکه‌ی نمایش، برای مخاطبان پخش شود.

مسافری از کانورا در راه چین

«مسافری از کانورا» راهی ششمین جشنواره جهانی کودکان پکن شد. به گزارش مهر، انیمیشن سینمایی «مسافری از کانورا» به کارگردانی احمد علمدار و تهیه کنندگی محمدحسین علمدار در بخش رقابتی ششمین دوره «جشنواره جهانی کودکان پکن» که از ۲۲ تا ۲۸ جولای برابر با دوم تا هشتم مرداد ماه سال جاری در پکن چین برگزار می‌شود، به نمایش درمی‌آید و با سایر فیلم‌های حاضر در جشنواره برای کسب جایزه «گل طلایی» رقابت خواهد کرد. این جایزه با حمایت کمیته علوم و آموزش کودکان که بزرگترین انجمن ترویج فرهنگ و هنر کودکان در کشور چین است، برگزار می‌شود که نخستین بار در سال ۲۰۱۹ راه اندازی شد. اکنون بعد از گذشت ۶ سال، این جشنواره به

بزرگترین جشنواره فیلم مختص به کودکان در کشور چین تبدیل شده است و امسال برنامه های جنبی ترویجی و متنوعی به جشنواره اضافه شده است. «جشنواره جهانی فیلم کودک پکن» جشنواره‌ای غیرانتفاعی است که توسط بنیاد صلیب سرخ چین حمایت می‌شود و هرساله بیش از پنج میلیون کودک و نوجوان، مخاطب آنلاین این جشنواره هستند. همچنین نمایش فیلم‌ها به صورت فیزیکی در سینماها، مدارس و مراکز هنری انجام می‌پذیرد. پخش بین‌الملل این انیمیشن بر عهده مرکز بین الملل سوره است.